

## هویت دینی و نقش تاریخ در شکل‌گیری هویت

(با نگاهی بر سیر تاریخی هویت دینی و بحران هویتی در تاریخ ایران)

مجتبی گراوند<sup>۱</sup>

فرهاد پروانه<sup>۲</sup>

### چکیده

با وجود افزایش و شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی، دین همچنان در تمام ابعاد خود به عنوان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پای بندی و وفاداری به آن و اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرآیند شکل‌دهی به هویت ملی و دینی بسیار مؤثر است. مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال است: تاریخ چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی با تکیه بر سیر تاریخی آن در طول بحران‌های هویتی در تاریخ ایران داشته است؟ مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به سیر تاریخی هویت دینی و بحران هویتی در تاریخ ایران و نقش تاریخ در شکل‌گیری هویت پرداخته است. نتایج این مقاله حاکی از آن است که، هرچند بحران‌های هویتی مختلفی در طول تاریخ بر ما ایرانیان وارد شده است ولی همیشه با قدرت، و با کمک تاریخ غنی سرزمین خود، فرهنگ مهاجم را جذب و سپس بدون اینکه اصالت خویش را از دست بدهیم، هضم نموده‌ایم و هویت ملی و دینی خود را شکل داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت دینی، بحران هویت، تاریخ. مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Garavand.m@lu.ac.ir

farhad.parvaneh@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه لرستان

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷

## مقدمه

در علوم اجتماعی، سیاسی، روان‌شناسی و فلسفه به تعریف و توضیح مفهوم هویت پرداخته‌اند و دانشمندان این شاخه‌ها مفهوم هویت را از منظر تخصصی خود مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. هویت از مفاهیم پیچیده‌ای است که تعریف‌های متفاوتی از آن شده است: «هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت اعضای یک جامعه دلالت می‌کند و آن جامعه را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص از سایر گروه‌ها متمایز سازد.» (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹) این مقاله تنها به بررسی سیر تاریخی هویت دینی در ایران و نقش تاریخ در شکل‌گیری آن می‌پردازد. هدف کلی این پژوهش نیز بررسی سیر هویت دینی در ایران و نقش تاریخ در مواجهه با بحران‌های هویتی و شکل‌دهی هویت دینی است.

مسئله اصلی پژوهش حاضرین است: در جریان سیر هویت دینی در ایران و بحران‌های هویتی به وجود آمده، تاریخ چه نقشی در شکل‌دهی این هویت داشته است؟ با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی سابقه‌ی این پژوهش باید خاطر نشان کرد که کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری در موضوع‌های مختلف هویت، انواع هویت، مؤلفه‌های هویت، بررسی هویت در کتاب‌ها و متون مختلف، و همچنین درباره هویت دینی در تاریخ ایران و ... به نگارش درآمده است، هر کدام از پژوهش‌های انجام شده بصورت کلی و عمومی در مورد مسائل ذکر شده و ... پرداخته‌اند و به نوبه‌ی خود دارای ارزش علمی خاص هستند. در حالی که در تحقیق پیش - روسعی شده است که با رویکرد تخصصی، پژوهشی، جامع و مستقل شامل نقش تاریخ در شکل‌دهی هویت با تکیه بر سیر تاریخی هویت دینی و مهم‌ترین بحران‌های هویتی در تاریخ ایران، سخن رانده شود.

## مفهوم شناسی و چارچوب نظری پژوهش

هویت:

### معنای لغوی هویت

واژه "هویت" در فرهنگ لغات مختلف دارای معانی خاصی می‌باشد، که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. در فرهنگ لغات فارسی





در فرهنگ معین، برای هویت چهار معنی ذکر شده است: ۱- ذات باری تعالی ۲- هستی، وجود ۳- آنچه موجب شناسایی شخص باشد. ۴- هویت عبارت از حقیقت است، یعنی هر گاه ماهیت یا شخص لحاظ شود و اعتبار شود، هویت گویند. (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸)

در فرهنگ سخن انوری، برای معنای لغوی هویت، به سه مورد اشاره شده است:

۱. آنچه شخص با آن شناخته می‌شود، مانند نام، نام خانوادگی، نام پدر و دیگر ویژگی‌های مندرج در شناسنامه.

۲. مجموعه ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی که فرد را از دیگران ممتاز می‌کند.

۳. واقعیت وجودی هر چیز، چگونگی، ماهیت. (انوری، ۱۳۸۱: ۶۴۵)

در لغت‌نامه دهخدا، آمده است:

"هویت" عبارت است از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است. "هویت" گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی است. "هویت" از لفظ "هو" گرفته شده که اشاره به غایب دارد و آن درباره خدای تعالی است و به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او با اشعار به غیوبت آن اشاره دارد (کشاف اصطلاحات الفنون، به نقل از لوح فشرده لغت‌نامه دهخدا، ذیل جستجوی واژه هویت)

## ۲. در فرهنگ لغات عربی

در فرهنگ الطائی، آورده شده: هویت یا "الهویه" کلمه ای عربی است، این کلمه از هو یعنی او، که ضمیر غایب مفرد مذکر است، می‌آید. (الطائی، ۱۳۸۲: ۳۳)

## معنای اصطلاحی هویت

گسترده‌گی حیطه معانی واژه هویت و معانی مختلف آن، از سویی، نتیجه توسعه دامنه علوم جدید و گسترش حوزه‌های آن‌ها در سالهای اخیر است و از سوی دیگر ایجاد مکاتب مختلف در حوزه علوم انسانی باعث شده که معانی متفاوت و در عین حال متعددی از این اصطلاح به وجود آید. در علوم اجتماعی، علوم سیاسی، روان شناسی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، منطق، عرفان و فلسفه و... به تعریف و توضیح مفهوم هویت پرداخته‌اند و دانشمندان این شاخه‌ها مفهوم هویت را از منظر تخصصی خود مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. و هر یک از رشته‌های علمی، با توجه به خاستگاه، موضوع، اهداف، سطح تحلیل و ابزار تحقیق و پژوهش، به تعریف هویت پرداخته‌اند. در ادامه سعی می‌شود تعاریف و معانی هویت، از دیدگاه علوم مختلف (با ذکر مثال) آورده شود:



از دیدگاه جامعه‌شناسان، احساس هویت در میان انسان‌ها، از طریق تعامل فرد و جامعه شکل می‌گیرد و بستر حضور فرد در جامعه، تعیین‌کننده هویت انسان‌هاست. و بطورکلی باید گفت که علم جامعه‌شناسی، مسئله هویت را از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌است، که بعنوان مثال به چند مورد اشاره می‌شود:

«هویت چارچوبی است پویا که بیشتر شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده را القا می‌کند. این چارچوب سرزنده، پویا و درحال تحول است» (رجایی، ۱۴:۱۳۸۲).

در کتاب «جامعه‌شناسی هویت در ایران» در تعریف هویت: «هویت آن بنیاد و اساسی است، که فرد خود را در آن می‌یابد و می‌شناسد و خود را با آن تعریف می‌کند و از دیگران متمایز می‌سازد و به آن احساس تعلق دارد. (گودرزی، ۷:۱۳۸۴)

از دیدگاه روان‌شناسان: "هویت" را امری شخصی و فردی دانسته‌اند و بر ویژگی‌های شخصیتی و احساس فرد تاکید دارند و احساس، تمایز، تداوم و استقلال را موضوعی شخصی و محصول تجربه انفرادی قلمداد می‌نمایند. (گل محمدی، ۱۴:۱۳۸۰)

از دیدگاه تاریخ‌نگاران: هویت را امری تاریخی، زمان‌مند و محتمل می‌دانند.

از دیدگاه جغرافی‌دانان: تفاوت‌های هویتی را متأثر از طبیعت و ماهیت هر اقلیم و حوزه جغرافیایی ارزیابی می‌نمایند و هویت را با مصادیقی چون: مکان، سرزمین و فضاها، جغرافیایی ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه اقتصاددانان: هویت انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی را با شاخص‌هایی مانند، سطح درآمد سرانه، نسبت افراد با ابزار و وسایل تولید و رشد اقتصادی می‌سنجند.

از بررسی آرا و دیدگاه‌های مختلف درباره هویت چنین بر می‌آید، که هرکدام از دیدگاهی به هویت توجه کرده‌اند و به تجزیه و تحلیل هویت پرداخته‌اند. هویت می‌تواند یک احساس، یک علامت و حتی یک ارزش و یک جواب باشد که شخص را در جامعه از دیگران متمایز می‌کند. هویت جوابی است به اینکه من کیستم؟ هویت نوعی آگاهی است، آگاهی از این که من کیستم؟ هویت یعنی احساس شناختی که تاریخ، مرز، فرهنگ، و علاقه به شخص می‌بخشد. هویت شناختی است که مردم از خود دارند و به وسیله آن خود را از دیگران متمایز می‌کند. (امیری، ۱۴:۱۳۸۸)

هویت ملی: هویت ملی ترکیبی از عناصر مختلف تأثیرگذار بر زندگی فردی و جمعی است که پیش و بیش از هر چیز به احساسی متعلق است که انسان به آن دست می‌یابد. به نظر رابرت دونشوز: هویت ملی، فراگیرترین و در



عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی است. او هویت ملی را محصول تعامل چهار عنصر زبان، دولت، آموزش عالی و دفاع از سرزمین می‌داند (علی‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

هویت ملی فراگیرترین و بالاترین سطح هویت است و دو عنصر دین و زبان، از پایه‌های اصلی این هویت هستند، از سایر عناصر سازنده هویت ملی می‌توان به ملت و قلمرو سیاسی - جغرافیایی نیز اشاره کرد؛ بنابراین هویت ملی تمام ابعاد هویت اجتماعی، ایرانی، اسلامی، فرهنگی و دینی را در بر می‌گیرد و هر کدام از این عناصر یاد شده، تکمیل‌کننده هویت ملی هستند. هویت ملی ادراک یک ملت از چیرستی و کیستی خود در مقابل ملت‌های دیگر است تا بدین وسیله خود را از دیگران بازشناسد و به داشته‌های خود احساس تعلق کند. این برداشت کلی جان مایه اغلب تعاریفی است که از این مفهوم به عمل آمده است. بنابراین در تعریف جامعه‌شناختی هویت ملی می‌توان «آگاهی جمعی و احساس تعلق و وفاداری جمعی اعضای یک جامعه ملی نسبت به سرزمین تاریخی، فرهنگ عمومی مشترک، مذهب مشترک، حکومت و نظام سیاسی مشروع، زبان فراگیر، اقتصاد ملی و امثال این عناصر» را هویت ملی نامید. (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۰).

هویت دینی: شاید مهم‌ترین و خلاصه‌ترین تعریفی که می‌توان ارائه داد این باشد که هویت دینی: «انجام هنجارهای دینی و اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای دینی باشد.» (خسروانیان، ۱۳۸۷: ۷) با وجود افزایش و شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی، مذهب در تمام ابعاد خود همچنان منبعی علمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرآیند شکل‌دهی هویت دینی بسیار مهم است. مذهب، علاوه بر این که از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، سبب دلگرمی، سرزندگی و نشاط و اشتیاق عمومی می‌گردد. افزون بر این، در بسیاری از مواقع، مذاهب در مفهوم جامعه‌شناختی، با سایر مضامین ملی از جمله دولت، تاریخ و میراث فرهنگی درآمیخته‌اند. شاخص‌های مهم این بعد، عبارتند از: پایبندی به جوهر دینی، دلبستگی جمعی و عمومی به شعائر، مناسک و نهادهای دینی، مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی ودینی. (امیری، ۱۳۸۸: ۱۷)

### دین و مذهب

دین و مذهب از مؤلفه‌های مقاله حاضر هستند که ارائه تعریفی جامع و مانع از آن هم لازم و هم مانند سایر پدیده‌ها و مفاهیم، کاری دشوار است. برخی از دانشمندان در تعریف دین گفته‌اند: «دین به معنای اعتقاد به یک امر



قدسی است و برخی آن را ایمان به موجودات روحانی دانسته‌اند. گروهی دیگر گفته‌اند: دین عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت هستند.» (توفیقی: ۱۳۸۵: ۳)

«مذهب در گذشته به مکتب‌های فکری درون یک دین (مانند مذهب‌ها چهارگانه یا پنج‌گانه فقه اسلامی) اطلاق می‌شد. در مغرب زمین واژه «Religion» به معنای مکتب‌های درون یک دین و به معنای خود دین بکار می‌رود و حدود نیم‌قرن است که متجددین کشور ما تحت تأثیر این موضوع، کلمه مذهب را به هر دو معنا استعمال می‌کنند.» (همان، ۴)

در ایران دین و مذهب همیشه مورد توجه بوده است و در زندگی ایرانیان همیشه نقش اساسی داشته است و اساساً جامعه ایرانی جامعه‌ای دین‌مدار بوده است. رجایی پژوهشگر و محقق ایرانی، می‌نویسد: «دین باوری که همانا اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ ایرانی همراه بوده است.» (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۰۹)، وی ادامه می‌دهد: «در فرهنگ ایرانی تأثیر دین‌ها مختلف دیده می‌شود؛ زرتشتی، مهر پرستی (میترائیسم)، مزدکی، مانوی‌گری، مسیحیت و یهودی‌گری تا قبل از ظهور اسلام در ایران رواج داشته است و بعد از فتح ایران به دست اعراب نیز آیین اسلام و تشیع - که آیین اکثر مردم ایران شد - بیش‌ترین تأثیر را بر فرهنگ ایرانی بر جای گذاشته است.» (همان، ۱۲۴)

گراهام فولر بر این اعتقاد است که: «اگر در جامعه ایرانی قبل از اسلام، مذهب زرتشت یک نیروی مهم در ایجاد همبستگی ملی بوده است، بعد از اسلام نیز مذهب تشیع از عوامل بسیار قوی در ایجاد هویت ملی بوده و هویت ایرانی با آیین تشیع پیوندی جدایی ناپذیر پیدا کرده است.» (کفاش، ۱۳۸۴: ۸۳)

ایران در دوران باستان، محل ظهور و رواج چند دین مهم و تأثیرگذار در جهان بوده است. دین‌های زرتشتی، مهرپرستی (میترائیسم) و مانوی در ایران ظهور یافتند. مکتب‌ها و مذهب‌هایی چون مزدکی و زروانیسم نیز در دوره باستان تاریخ ایران آشکارا، رواج پیدا کردند. این دین‌ها و مذهب‌ها هر یک برای خود پیروان بسیاری در ایران داشتند. دین زرتشتی در دوره باستان، دین بیشتر ایرانیان - به ویژه در عصر ساسانی - بوده است.

ایرانیان به دلایلی چون؛ موقعیت ویژه جغرافیایی کشورشان و همچنین برخورداری از روحیه تساهل و تسامح و آزاد اندیشی - که از ویژگی‌های فرهنگی آنان است - به جز اعتقاد به دین‌ها و مذهب‌های بومی، به دین‌ها و مذهب‌های غیر بومی همچون مسیحیت، یهودیت و بودایی نیز گرایش داشته‌اند. با پیدایش اسلام در شبه جزیره عربستان، ایران به دلیل همجواری با اعراب مسلمان مورد توجه آنان قرار گرفت و با فتح ایران به دست اعراب به سال ۲۱ هـ. ق.



رواج و انتشار آیین تازه آنان در ایران را به دنبال داشت مردم ایران در مدت دو قرن، تقریباً به کلی اسلام آوردند سپس در ایران مذهب‌های مختلف، پیروان بسیاری یافتند. ایرانیان تا عصر صفوی عمدتاً بر یکی از مذهب‌ها اهل سنت بوده‌اند؛ از این عصر به بعد تشیع اثنی عشری به تدریج مذهب بیشتر مردم می‌شود.

### مؤلفه‌های هویت دینی

محققان، پژوهشگران و اندیشمندان زیادی در طی سالهای اخیر درباره هویت ایرانی - دینی و مؤلفه‌های آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند. کتاب‌ها، مقالات و حتی پایان‌نامه‌هایی در این باره، نوشته‌اند و حتی سند مؤلفه‌های هویت ایرانی - دینی انتشار یافته است. از بررسی بسیاری از کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های که در این باره نوشته شده، به این نتیجه می‌رسیم که شاید تفکیک هویت ملی و دینی از همدیگر بسیار مشکل باشد ولی بطور کلی هویت ایرانیان دارای دو جنبه فراگیر است:

۱. هویت ایرانی با تأکید بر گذشته درخشان تاریخی آنان.

۲. هویت اسلامی با تأکید بر جنبه مذهبی بودن ایرانیان بعد از اسلام.

این دو عنصر فراگیر هویت ایرانی هرچند از نظر تاریخی با هم اختلاف دارند از نظر محتوایی با هم پیوستگی دارند. منظور از هویت ایرانی اتحاد و یگانگی سیاسی، تاریخی، قومی، زبانی و مکانی جامعه ایرانی است. عناصر مهم این هویت را می‌توان دین، زبان و قلمرو سیاسی - جغرافیایی نامید. هویت ایرانی فراگیرترین هویت است و تمام جنبه‌های اجتماعی - تاریخی و فرهنگی ایرانیان را در بر می‌گیرد و هویت اسلامی که جزء ناگسستنی هویت ایرانیان است، به مفاهیم دین و مذهب ایرانیان توجه دارد. با ورود اسلام به ایران، این مقوله جزء پایه‌های محکم و کلی هویت ایرانیان می‌شود.

به هر حال درباره مؤلفه‌های هویت دینی میان اندیشمندان و محققان اختلاف نظر وجود دارد. برخی اسلام را مهم‌ترین مؤلفه می‌دانند و بعضی مذهب شیعه را در جایگاه اول قرار می‌دهند، ولی به طور کلی مهم‌ترین مؤلفه‌ها و نمادهای هویت دینی (اسلامی - مذهبی)، که بیشتر اندیشمندان و محققان روی آن تأکید دارند، عبارت‌اند از: خدا، توحید، اسلام، حکومت اسلامی، نبوت، معاد، مسلمان، جهان اسلام، قرآن، پیامبر اسلام، غزوات پیامبر، سایر پیامبران الهی، امت اسلامی، مذهب، حضرت علی، دین، شریعت، سایر امامان، شیعه، خلفای راشدین، مکان مذهبی، شهید، و ...



### سیر تاریخی هویت دینی (اسلامی - مذهبی) در ایران

اسلام به وسیله‌ی اعراب مسلمان وارد ایران شد و همگام با ورود خود به این سرزمین، منجر به فروپاشی حکومت شاهنشاهی ساسانی در ایران گردید. اما همان گونه که شهید مرتضی مطهری می‌گوید: «چون، ایرانیان اسلام را با عقل و اندیشه و خواسته‌های نظری خود سازگار می‌دیدند، آن را پذیرفته‌اند» (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۸)

با ظهور اسلام و تصرف ایران به دست مسلمانان، دین ایرانیان دگرگون شد و توحید، جای ثنویت را گرفت، این رخداد بدان معنا است که هریک از ارکان هویت می‌تواند اعتلا و تکامل پذیرد یا جایگزین بیابد. به علت مسلمانان شدن ایرانیان مسجد جای آتشگاه را گرفت، یعنی بسیاری از مساجد از تبدیل آتشکده‌ها و آتشگاه‌ها به وجود آمدند. (ولایتی، ۱۳۷۸: ۲۱).

حمله اعراب به ایران و فروپاشی ساسانیان و برآمدن اسلام پایه‌های همبستگی سیاسی و دینی هویت ایرانی را سست می‌کند و یکپارچگی آن را بر هم می‌زند. حکومت جهانی اسلام جای حکومت ایرانی را می‌گیرد و دین جهانی اسلام، در درازای سه قرن جایگزین دین ایرانی زرتشتی می‌شود. ایرانشهر یا قلمرو پادشاهی ایران نیز فرو می‌ریزد، کشور ایران حدود نه قرن، یعنی تا زمان فراز آمدن صفویه، از وحدت سیاسی و قومی محروم می‌ماند. با این همه، در این دوران فترت سیاسی و ملی، چند چیز بر جای می‌ماند. یکی اقوام ایرانی که به عنوان عجم در برابر عرب و تاجیک در برابر ترک، شناسایی می‌شود و هویت خاصی برای ایرانیان معین می‌کند، دیگر سرزمین ایران است که در مفهوم جغرافیایی آن به عنوان میانه جهان تداوم پیدا می‌کند. سه دیگر اسطوره‌های آفرینش انسان و پیدایش اقوام ایرانی است که با افسانه‌های اسلامی درهم می‌آمیخته، پایدار می‌ماند و بر تداوم هویت ایرانی مدد می‌رساند از همه بالاتر و درخشان‌تر شکوفایی زبان دری است که حامل و نگاهبان فرهنگ پربار و هویت ایرانی می‌شود. (اشرف، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

در دو قرن اول اسلامی ایران زیر نظر خلافت بزرگ اسلامی است و والیان و حکام آن از مدینه، کوفه، دمشق و بغداد منصوب می‌شوند. (همان، ۵۳۵). بر این اساس در می‌بایم که ایرانیان میان عملکرد خلفای اموی و عباسی با آنچه اسلام می‌گوید، تمایز قائل هستند. افزون بر این از قرن دوم هجری، ایرانیان غیرمسلمان (زرتشتیان، مانویان، مزدکیان) به بازسازی هویتی خود پرداختند. جمع آوری و تألیف آثار دینی همچون دینکرت، دادستان دینیک، شکند گمانیک و اختیارات زادسپرم یا اندرزهایی چون آیین نامک که گویا در قرن دوم حدود هفت نسخه از آن در





دست بوده است از جمله تلاش‌های فرهنگی برای ابقای هویتشان بود حتی کتاب‌هایی در ردّ اسلام و عیوب اعراب نوشتند که کتاب‌های الزمرد و الدافع ابن راوندی از آن جمله‌اند. (بیانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۷۱)

از آن‌جا که ایرانیان وحدت اعتقادی، دینی و هویت خود را در خطر می‌دیدند گام بعدی ایشان روی آوردن به نهضت‌های فرهنگی بود. بارزترین این نهضت شعوبیه است. «شعوبی» به زبان فارسی «میهن پرستی» است. جنبش شعوبیه بزرگ‌ترین نهضت ایرانی‌ها بود که سرانجام دولت و سیادت عرب را به کلی منقرض و ریشه کن ساخت. تاریخ آغاز این نهضت به اوایل سده دوم هجری یعنی زمان حکومت امویان می‌رسد و دنباله آن تا سده پنجم و حتی پس از آن ادامه می‌یابد. این مسلک جنبشی در عالم اسلام ایجاد کرد و تمام شئون اجتماعی و سیاسی، فکری و ادبی را در برگرفت و تغییر داد.

در کنار این جنبش‌های فکری - فرهنگی، مقاومت‌های سیاسی - نظامی کسانی چون به آفرید، سنباد، المقنع، بابک و ... که به زندقه متهم شدند همگی دلالت بر دفاع از هویت خودی در مقابل بیگانه داشتند، اوج اقدامات نظامی ایرانیان قیام ابومسلم در سرنگونی بنی امیه بود. روی هم رفته در این دوره حاملان هویت ایرانی مورخان و دست اندرکاران جنبش‌های سیاسی مقاومت بوده‌اند.

با وجود این، پس از روی کار آمدن عباسیان حکومت‌های محلی چون: طاهریان، صفاریان، سامانیان و آل بویه در کشور استقرار یافتند که همگی مشروعیت سیاسی خود را از عباسیان می‌گرفتند، و از قرون سوم تا هفتم نیز ترکمانان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی حکمرانی کردند که اینان نیز زیر فرمان خلفای عباسی بودند. دوران حکومت ترکان در ایران، بخصوص زمان غزنویان، اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی، شاهنامه‌نویسی می‌باشد.

حاملان هویت ملی - دینی در عصر سلجوقیان عبارت بودند از: کارگزاران حکومتی (خواجه نظام الملک با احیای اندیشه پادشاهی ایران‌شهر در سیاست نامه)؛ شعرا (ابوسعید ابوالخیر، سنایی، خیام، نظام گنجوی، حمدالله مستوفی شاعر کتاب ظفرنامه به سبک شاهنامه و ...)؛ دانشمندان (مانند خیام که تقویم ایرانی را دوباره تدوین کرده و همین امر در احیای بسیاری از آیین‌های ایرانی مؤثر افتاد)؛ فلسفه اشراق با تأکید بر تفکر زرتشت و فلسفه نور؛ فرق مختلف شیعه به ویژه اسماعیلیان که به زبان فارسی به عنوان زبان دینی تأکید می‌کردند.

حاملان و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی در دوره مغول عبارت‌اند از: ۱- مورخان (جوینی، رشیدالدین فضل الله همدانی و ...) ۲- گسترش معماری ایرانی، گچ بری محراب‌های مسجد جامع ورامین و اصفهان در این دوره

تقلیدی از گنج بری تیسفون است. ۳- احیای آداب و رسوم و جشن‌های ایرانی (سده، نوروز و...) ۴- شاعرانی چون حافظ، سعدی، مولوی، ظهیر الدین فاریابی، خاقانی شروانی، سیف فرغانی، خواجه‌ی کرمانی و... ۵- گسترش تصوف: خرافه پرستی مغولان و اعتقاد آن‌ها به کارهای خرق عادت صوفیان باعث اعتقاد گسترده آن‌ها به صوفیان شده بود همین امر باعث گسترش تصوف گردید. رگه‌هایی از فتوت و جوانمردی اساطیری دوره اشکانی و ساسانی را در میان صوفیان این دوره می‌بینیم. تصوف ریشه در ایران باستان دارد و پس از اسلام نیز صوفیان بعد از قطب اول حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم و قطب دوم حضرت علی علیه السلام قطب سوم را سلمان پارسی می‌دانستند. (بیانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۹۱-۲۷۴)

در دوران پس از فروپاشی ایخانان تا روی کار آمدن تیموریان حکومت‌های ایرانی در جستجوی فرصتی برای تشکیل دولت بوده‌اند، سربداران که حکومتی رسماً شیعی مذهب بودند در حکومت آن‌ها رگه‌های سنت‌های پیش از اسلام نمایان است. آل اینجو در فارس، خواهان آن بودند که دیگر بار تیسفون و طاق کسری را در شیراز بنا کنند. حاکمان تیموری نیز باعث گسترش فرهنگ ایرانی شدند. تیمور با جمع کردن هنرمندان سراسر ایران و اعزام آن‌ها به سمرقند باعث گسترش فرهنگ ایرانی در آسیای مرکزی شد و بایسنقر حتی خود شاهنامه می‌نوشت. (همان، ۲۹۱-۲۷۴)

با ظهور صفویه (۱۱۴۴-۹۰۵) برای نخستین بار پس از ورود اسلام، دولتی فراگیر در تمام محدوده فرهنگی ایران به وجود آمد. در دوران صفوی، با استقرار دولت مرکزی، مفهوم ایران، پس از نهمصد سال فترت، تشخیص سیاسی و دینی پیدا می‌یابد. پادشاهان صفوی به یاری مذهب شیعی و با شمشیر قبایل جنگاور ترکمان موفق به احیای مجدد هویت ایرانی شدند. (اشرف، ۱۳۷۳: ۱۵).

سه عنصر تشیع، زبان و نوستالژی فرهنگ که قرن‌های متمادی به صورت پراکنده در زندگی ایرانیان نقش بازی کرده بودند و هر چند گاهی به صورت جداگانه و برای چند دهه، محور تشکیل قدرت‌های سیاسی شده بودند (تشیع در دوران سربداران)، اکنون به وحدت می‌رسیدند. (خسروانیا، ۱۳۸۷: ۶۵).

همان‌گونه که در اروپا کلیساهای محلی سهم بزرگی در ابداع هویت ملی داشته‌اند در ایران پس از اسلام، تشیع صفوی نقش بزرگی در حفظ هویت داشته است، تشیع صفوی، که به دست پایه‌گذاران سلسله صفوی به صورت دین رسمی دولتی در آمد، نقش بزرگ تاریخی در حفظ هویت ایرانی و جمع و جور کردن اجزای پراکنده کشور و همبسته کردن آن‌ها و ایجاد یکپارچگی سیاسی در ایران زمین داشته است. دولت صفویه توانست با بهره‌گیری از





بستر فرهنگی و تاریخی ایران و در پرتو تشیع، امنیت پویا، توسعه‌ی اقتصادی و رفاه عمومی را در کشور ایجاد نماید و انسجامی را که لازمه‌ی دولتی ملی و وحدت‌بخش مردم آن بود، تحقق بخشد و هویت ایرانی و وحدت فرهنگی را دست‌کم از این زمان به بعد، همراه با وحدت جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی حفظ کند. در دوران صفویه و قاجاریه، گسترش تشیع در ایران ویژگی برجسته‌تری به هویت ایرانیان بخشید.

مفهوم تاریخی هویت ایرانی که در نهضت‌های قومی و سیاسی و دینی دوران ساسانیان شکل گرفت و در دوران اسلامی با فراز و نشیب‌هایی پایدار ماند و در عصر صفوی تولدی دیگر یافت، در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایران» متجلی شده است. اگر مفهوم دولت ملی را با معنایی که در اروپا با پیدایش دولت - ملت مطرح شده‌ای در نظر بگیریم می‌توان گفت که تأسیس سلسله‌ی صفویه در ایران به نوعی سرآغاز تشکیل دولت ملی محسوب می‌شود. (خسروانیان، ۱۳۸۷: ۶۱)

اسمیت از برجسته‌ترین نظریه پردازان ناسیونالیسم معاصر می‌گوید: حس هویت و برگزیدگی ایرانی که در تجدید و احیای زبان فارسی در سده‌های دهم و یازدهم شکوفا شد، در سده‌های بعدی به تعداد اندکی از نخبگان با سواد محدود می‌ماند؛ ولی با ظهور صفویه و احیای سیاسی و فرهنگی ایران در قالب مذهب تشیع، هویت ایرانی به صورت گسترده‌ای با مذهب تشیع گره خورد و در نهایت در عصر جدید با پایه‌گذاری حس همبستگی ایرانی به شکل سیاسی در جنبش مشروطه (۱۲۸۵ ه.ش) ظاهر شد. (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵۲-۱۵۱)

در دوران افشاریه، هویت ملی و دینی تا حدی متزلزل شد، زیرا شاهان افشار نه تنها برای تقویت و گسترش هویت ملی و مذهبی تلاش نکردند، بلکه مبارزه آرام و خزانده‌ای با مذهب شیعه آغاز کردند و از در دوستی با خلیفه عباسی درآمدند که بر جهان اسلام حکومت می‌کردند، در نتیجه‌ی این اقدامات بار دیگر پایه‌های هویت ملی و دینی متزلزل شد. (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲)

با این همه، میراث صفوی آن اندازه پایدار بود که تلاش هفت ساله افغان‌ها و حتی تأمل‌های نابخردانه نادر در برهم زدن بنیادهای فرهنگی - مذهبی در ایران، نتوانست بر آن اثری جدی بگذارد. دلیل آن هم این بود که از نظر مذهبی، روحانیون که به صورت سلسله‌ای ثابت در سراسر ایران حضور داشتند و متحداً به مرکزیت در عراق عرب یا اصفهان و مشهد وصل بودند، عامل عمده‌ای برای تأکید بر هویت شیعی بودند که خود به خود هویت ملی را نیز در برابر خارج از ایران که بر مذهب سنی بود یا تحت حاکمیت سنیان بود، حفظ می‌کرد. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۴)



سه عنصر لاینفک ایرانی-اسلامی و شیعی همواره با هویت ملی ایرانیان همراه و همساز بوده‌اند. لایه‌ی صفوی - شیعی، برجسته‌ترین شکل حکومتی بود که دولت ملی مستقل در ایران تشکیل شد. و در این دوران بود که هویت شیعی ایران به طور رسمی آغاز شد و شکل گرفت.

حقیقت تاریخی ایران در سه شبکه‌ی به هم پیوسته و در قالب نظام مدنی شیعی، از نظام سیاسی صفویه تا مشروطیت به مدت چهار قرن، از مشروطیت تا انقلاب اسلامی و از پیروزی انقلاب در سال ۵۷ تا کنون، شکل گرفت و بدین سان، روح حاکم بر ایران اسلامی، تفکر شیعی و آداب و سنن ایرانی و... است، بنابراین هویت شیعی، اسلامی و ایرانی، هویت جدید ملی است. (نجفی، ۱۳۸۵: ۲۲)

ورود مسیونرهای مذهبی، تجاری و نظامی به ایران در دوران قاجار علاوه بر خدشه‌دار کردن دین و مذهب در ایران، بر زبان ملی تأثیر گذاشت و آن را دگرگون کرد. (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲) سلسله پهلوی هم سعی داشت که تاریخ معاصر ما را با تاریخ پیش از اسلام پیوند دهد و به نحوی در مردم این اعتقاد را به وجود آوردند که خاندان پهلوی وارث سلاطین و حکام دوران باستان است. و دستگاه حکومت و برخی اندیشمندان جامعه، سخت دست‌اندرکار پروردن هویتی برای ایران بودند که یکسره بر دستاوردها و افتخارات هخامنشی و ساسانی تکیه داشت، بی‌آنکه اسلام نقش مهمی در آن داشته باشد. البته اندیشمندان و بزرگان صحنه‌های علم و سیاست، از جمله دکتر شریعتی و مهندس مهدی بازرگان در روزهای پایانی حکومت پهلوی به فکر تلفیق هویت ایرانی-اسلامی بودند.

«فرهنگ ایرانی بدون اسلام جستن، به همان اندازه محال است و غیر قابل تصور که فرهنگ اسلامی را بدون ایران دیدن» (اشرف، ۱۳۷۳: ۲۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) دیدگاهی عینیت می‌یابد که هویت ملی را در هویت امت اسلامی ایران متبلور می‌بیند. در این دیدگاه همه‌ی انواع حکومت‌های انسانی فاقد مشروعیت و عاجز از حل و عقد مسائل انسانی هستند. در برابر حکومت‌های انسانی، حکومت الهی قرار دارد که در آن ملت و هویت ملی معنایی ندارد و ملت به عنوان امت در نظر می‌آید که کارگزاران آن مجتهدان و فقها هستند. (همان، ۲۴)

پس از انقلاب اسلامی نیز عده‌ای سرگرم ساختن هویتی برای ملت شدند که یکسره به اسلام و مفاخر اسلامی تکیه داشت و برخی تا آنجا پیش رفتند که «ملت» را مغایر «امت» و «هویت ملی» را مغایر «هویت اسلامی» شمردند. این هر دو گروه، راهی را می‌پیمودند که با ماهیت طبیعی و ساختار واقعی هویت ایرانی سازگار نبود، نه



می‌توان ده‌ها قرن تمدن پیش از اسلام ایران را نادیده گرفت و نه می‌توان چهارده قرن دین اسلام را انکار کرد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

### بحران هویتی در تاریخ ایران

بحران هویت یعنی؛ ابهام در ارزش‌ها، تیره و تار شدن مرزها و وجه ممیزه افراد و جوامع با یکدیگر، که نتیجه‌ی آن سردرگمی هویتی افراد و جوامع است. افراد و جوامعی که به ارزش‌های ملی و دینی خویش پایبند نیستند و از احساس تعلق به زبان، دین، جغرافیا و نژاد خویش احساس شرم دارند، در تعلق به هویت خویش دچار تردید شده‌اند.

بحران هویت به وضعیتی گفته می‌شود که فرد یا جامعه آگاهی و هوشیاری لازم را نسبت به خود از دست بدهند و حالتی مردود و ناپایدار به خود بگیرند.

در دوره‌های گذشته، فرهنگ ایرانی با تهاجمات نظامی - فرهنگی مواجه شده و آن‌ها را جذب و هضم نموده است. در مجموع ایرانیان تاکنون با چهار بحران هویتی مواجه شده‌اند:

۱- بحران هلنی (اسکندر مقدونی)؛ ۲- بحران عربی (ورود اسلام توسط اعراب)؛ ۳- بحران ترکی (مغول)؛ ۴- بحران غربی (مدرنیته) (فولادی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

ایرانیان در همه‌ی بحران‌ها، حتی در مواردی که از لحاظ نظامی مغلوب شده‌اند، فرهنگ مهاجم را جذب و سپس بدون اینکه اصالت خویش را از دست بدهند، هضم نموده‌اند. جنبش‌های اخیر ملت ایران را برای جذب و هضم مدرنیته غربی می‌توان تبیین کرد، به بیان استعاری، معده ایرانی در حال هضم غذای بسیار سنگینی به نام «مدرنیته» است. ایرانیان به دلیل «تساهل» به سهولت از فرهنگ غربی استقبال کرده، عناصر آن را وارد کشور نموده‌اند. (خان محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

### تاریخ و نقش آن در شکل دهی هویت

آشنایی با سیر زندگی انسان، شکل‌گیری و رشد و سقوط تمدن‌ها، ویژگی‌های جوامع و ملل از طریق مطالعه و تفحص در تاریخ امکان‌پذیر است. «قطعا پیش از شما سنت‌هایی بوده و سپری شده است، پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است». (آل عمران، ۱۳۷).



هر چه در گذشته بیشتر تأمل کنیم، هم خود را بهتر می‌شناسیم و هم جامعه مان را، زیرا همه پدیده‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی ریشه در گذشته دارد و با شناخت بیشتر این ریشه‌ها می‌توانیم ارزیابی درست‌تری از خود داشته باشیم و با هویت ملی و دینی خود بیشتر آشنا شویم. بخش‌های قابل توجهی از آیات قرآن کریم و کلام بزرگان و دانشمندان به ذکر تاریخ و توصیه و تأمل در آن اختصاص دارد.

تاریخ، یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌ساز است. شخصیت انسان به صورت فرد و شخصیت جامعه به صورت مجموعه‌ای از افراد، در ظرفیت‌های زمانی شکل می‌گیرد. تاریخ همان زندگی نامه‌ای است که باید ایجاد گردد و همواره مورد بازپرسی قرار می‌گیرد و اگر بخواهیم در خلأ محو نشویم، بلکه از انسان بودن بهرمنند گردیم، ناچار پیوند خود را با تاریخ باید حفظ کنیم.

در حقیقت تاریخ یک ملت به منزله‌ی نسب نامه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن‌هاست. زیرا وضع کنونی یک ملت، حاصل رشته‌ای مستمر از تحول زندگی آن مردم به شمار می‌آید، در نتیجه همین وضع موجود، خود گواه بر ریشه داشتن در تاریخ است.

هویت امری صرفاً طبیعی نیست، بلکه چهارچوبی ساخته شده و مصنوعی است که از طریق تاریخ و به وسیله «روایت» تداوم پیدا می‌کند و آن‌گاه به صورت خاطره جمعی درآمده، بعد از آن تثبیت می‌شود. نمادهای هویت در طول تاریخ ساخته، استوار می‌شوند و به طور کلی عناصر و مضامین هویت در محدوده جغرافیایی نمود می‌یابند و همه ریشه در «زمان» دارند و این زمان همان تاریخ است که خود از عوامل مهم همبستگی جامعه در گستره جغرافیایی مشترک می‌شود. (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۲۵)

به طور کلی، تاریخ، در شکل‌گیری هویت هر جامعه، اهمیت زیادی دارد. تاریخ از مسائل مهم در هر جامعه است که برای ایجاد یک پارچگی و تقویت میراث مشترک و ترویج آرمان مشترک اهمیت فراوان دارد. برای تمام ملت‌های جهان، هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، هویت ملی برای یک ملت، مانند روح برای بدن است که فقدان آن مرگ خواهد بود. هویت ملی، هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و عامل شناسایی آن در میان ملل دیگر است. در واقع، قوام و دوام زندگی توأم با عزت و آزادی هر ملت، به هویت ملی آن در معنای عام و گسترده بستگی دارد.

افزون بر این تاریخ هر ملتی، بخش مهم از هویت و موجودیت آن ملت به شمار می‌آید؛ بخشی حساس و سرنوشت‌ساز، چنان که انکار آن به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. این فقط به این معنا نیست که تاریخ هر ملت به



منزلۀ شناسنامه و سند افتخارات او است، بلکه در اساس اثبات موجودیت هر مردمی تا حد زیادی به اثبات «تاریخ داشتن» آنان بستگی دارد. در واقع کسی که از گذشته خود روی برمی گرداند یا درصدد نفی یا انکار تمام یا قسمتی از آن برمی آید، خود را نفی کرده است و این با عقل و خرد مغایرت دارد. (خسروانیان، ۱۳۸۸: ۴۵)

تاریخ نیز به صورت خاص نقش حساسی در هویت ملی و دینی هر ملت دارد. ریشه‌های هویت هر ملتی در تاریخ آن است و هویت ملی به مانند ساقه‌ای است که همه اجزای فرهنگی ملت بر اساس آن وحدت می‌یابند. تاریخ نشان می‌دهد که چگونه سرگذشتی مشترک برای همه ما وجود داشته و چرا سرنوشتی واحد برای همه ما در پیش است. اشتراک در منش و سرشت به ما متذکر می‌شود که تنوع صوری و تعدد مظاهر زندگی این مردم بر بنیاد یک وحدت قرار دارد و درک و فهم آن نیز وابسته به شناخت آن مبانی مشترک و مبادی واحد است. در این راه، درس و علم برای ما سرمایه‌ای گران‌بهاست. هر ورق از تاریخ پر از فراز و نشیب این سرزمین و هر خشت از آثار باستانی و تاریخی آن و هر بیت از اشعار شعرای نامدار و هر بخش از عرفان پر آوازه‌اش، برای ما گنج‌هایی پر ارزشی است که به آسانی به دست نیامده است و به سادگی نیز نمی‌توان آن را از دست داد. در واقع نمی‌توان و نباید آن را از دست داد. (رجایی، ۱۳۷۷: ۴۳)

تاریخ چند هزار ساله این سرزمین و افتخارات علمی، ادبی، هنری، دینی و تمدنی این سرزمین، عامل بسیار تعیین‌کننده و مهمی در شکل‌گیری هویت ملی و دینی ماست. تاریخ ایران به ما نشان می‌دهد که چگونه در تنبداد حوادث، این ملت و فرهنگ و سرزمینشان دوام آورده است و در این بیان باور به توانایی‌های خویش و تمسک به بنیادهای فرهنگی و دینی خویش تا چه اندازه نقش داشته است. همین طور چگونه ذکر تاریخ پرافتخارگذشتگان و از خود گذشتگی فرزندان این آب و خاک در آمادگی و سازندگی و مصون‌سازی مردمان در برابر خطرات مؤثر بوده است. در عصر جهانی شدن و ارتباطات و در شرایطی که تحولات جهانی و منطقه‌ای در عرصه‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ پرشتاب است، تأکید بر هویت ملی و توجه خاص به تاریخ اهمیت ویژه‌ای دارد و معلمان تاریخ که با کودکان و نوجوانان و جوانان در ارتباطند، وظیفه‌ای بسیار سنگین به عهده دارند، جای هیچ‌گونه ابهامی نمی‌ماند که تاریخ از جمله علوم هویت‌ساز است. (نوایی، ۱۳۷۳: ۶).

متولیان امر آموزش و پرورش هم برای متعهد ساختن دانش‌آموزان به تاریخ تمدن، فرهنگ، ارزش‌ها، باورهای ملی و اسلامی کشورشان، از طریق کتاب‌های درسی، از جمله کتاب درسی تاریخ در تلاش بوده و هستند، اما باید به



این نکته توجه کرد که آنچه در آموزش تاریخ اهمیت دارد، اثری است که در ذهن و روح دانش‌آموزان باقی می‌ماند، نه محفوظات فاقد ارزش. (انصاری راد، ۱۳۸۰: ۸۷).

### نتیجه‌گیری

با توجه به پدیده جهانی شدن و انقلاب عظیم فن‌آوری اطلاعات و تحقق دهکده جهانی، بنیان‌های مالی و فکری جهان دگرگون شده است؛ از این رو در عصر حاضر بیش از هر عصر دیگری انسان‌ها با منابع هویتی بی‌شماری مواجه‌اند که به دگرگونی هویت افراد از هویت سنتی به هویت‌های فرهنگی چندگانه و بحران هویت ملی و دینی انجامیده است. نتایج این مقاله نشان داد که هرچند بحران‌های هویتی مختلفی در طول تاریخ بر ما ایرانیان وارد شده است ولی همیشه با قدرت، فرهنگ مهاجم را جذب و سپس بدون اینکه اصالت خویش را از دست بدهیم، هضم نموده‌ایم و هویت ملی و دینی خود را شکل داده‌ایم که در این میان تاریخ چند هزار ساله این سرزمین و افتخارات علمی، ادبی، هنری، دینی و تمدنی این سرزمین عامل بسیار تعیین‌کننده و مهمی در شکل‌گیری هویت ملی و دینی ما بوده است و خواهد بود. که باید نسبت به غنای علمی و پیشرفت تحقیقی آن کوشید. در همین حال باید درس تاریخ را از دبستان تا دانشگاه سنگری استوار در نظر گرفت که در پناه آن از تندباد حوادث قرون و اعصار مصون مانده‌ایم. بنابراین هم معلم تاریخ باید به اهمیت راهی که در پیش دارد، بیشتر واقف باشد و هم مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سیاسی باید توجه خاصی به این امر مبذول دارند.

### منابع

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۳). **هویت ملی - مذهبی جوانان**، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم.
- آقازاده، احمد، (۱۳۸۲). **تاریخ آموزش و پرورش ایران** (با تأکید بر تحلیل سیر تحولات و رویدادهای تربیتی و شناخت اهم مسائل کنونی آموزش و پرورش)، تهران: ارسباران.
- اکرمی، کاظم (۱۳۸۵). **قلمرو برنامه درسی در ایران**، (مجموعه مقالات)، به کوشش انجمن برنامه ریزی درسی در ایران، تهران: سمت، چ ۲.

انصاری راد، پرویز (۱۳۸۰). **آموزش درس مطالعات اجتماعی**، قم: انتشارات صحفی، چ ۲.





- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- بیانی، شیرین و دیگران (۱۳۸۲): «میزگرد تاریخ نگاران و هویت (۲)»؛ فصلنامه مطالعات ملی، ۳۴، س ۹، ش ۲، صص ۷۸-۵۳.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۳). «سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران»، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین داوود میرمحمدی، تهران: موسسه مطالعات ملی، صص ۱۸۸-۱۷۱.
- توفیقی، جعفر (۱۳۸۵). آشنایی با دین‌های بزرگ، تهران: سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱). «هویت ایرانی در کشاکش تحولات سیاسی در ایران در چهار قرن اخیر»، مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، به اهتمام گروه تحقیقات سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۳). گفتمان‌های هویت در ایران با تأکید بر هویت ملی و دینی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکله هویت ایرانیان امروز (ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ)، تهران: نی، چ ۲.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۵). تاریخ ایران (ایلامی‌ها و آریایی‌ها تا پایان دوره هخامنشی)، تهران: انتشارات پیام نور، چ ۲.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). تاریخ اسلام، تهران: سمت، چ ۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط پهلوی)، تهران: سخن، چ ۲.
- زمانی محجوب، حبیب (۱۳۸۵). نقش دین در هویت بخشی به ایرانیان عصر باستان، «دین و هویت»، مؤسسه مطالعات ملی، به کوشش محمد منصور نژاد، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه، چ ۱۴.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۶). فلسفه آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر، چ ۸.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۵). ایرانیان و هویت ملی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۶۹). تکوین و تنفیذ هویت ملی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چ ۲.
- الطائی، علی (۱۳۷۸). بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.



- الطائی، علی (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- عبادیان، محمود (۱۳۸۳). «بحران هویت مذهبی و هویت فردی» در مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علی‌خانی، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- علاقه بند، علی، (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: بعثت.
- علی‌خانی، علی اکبر (۱۳۸۳). مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴). گفتارهایی درباره‌ی جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: تمدن ایرانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶). دموکراسی و هویت ایرانی؛ تهران: کویر.
- مشایخی، محمد (۱۳۳۷). کتاب‌های درسی، راهنمای کتاب، س ۱، ش ۲، صص ۱۰۲-۱۰۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: انتشارات اسلامی.
- معروفی، یحیی و یوسف‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی (راهنمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی)، همدان: سپهر دانش.
- معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چ ۵.
- نجفی، موسی (۱۳۸۵). تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۸). بحران‌های تاریخی هویت ایرانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

#### ب) مقالات

- احمدی، حمید (۱۳۸۳). «دین و ملیت در ایران: همیاری یا کشش»، مجموعه مقالات ایران، هویت و ملیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۳-۱۱۴.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، مجموعه مقالات ایران، هویت و ملیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی. صص ۲۵-۴۵۴.
- حاج بابایی، مرتضی (۱۳۷۱). آموزش و پرورش و بحران هویت در نوجوانان و جوانان، تهران: سومین همایش تربیت نوجوانان در آموزش و پرورش، صص ۳۸-۲۱.



خان محمدی، کریم (۱۳۸۸). «عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۸، س ۱۰، ش ۲، صص ۲-۳۶.

فولادی، محمد (۱۳۸۶). «هویت ملی، عناصر، چالش‌ها: نگرشی به نظریه فلسفه ذات»، ماهنامه معرفت، س ۱۶، ش ۵، شماره مسلسل ۱۱۶، صص ۹۹-۱۳۸.

کفّاش، جمشید (۱۳۸۴). «زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران»، مجموعه مقالات درآمدی بر فرهنگ و هویت ایران، به کوشش مریم صنّیع اجلال، تهران: تمدن ایرانی. صص ۲۰-۴۵.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). «جهانی شدن و بحران هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۳، ش ۱۰، ص ۸۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴). «ایران و ایرانی بودن»، نامه ایران، ج ۱ (مجموعه مقاله‌ها، سروده‌ها و مطالب ایران شناسی)، به کوشش حمید یزدان پرست، تهران: اطلاعات

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). «هویت، تاریخ و روایت در ایران»: برگرفته از مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۵۱-۲۵. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۳). (مصاحبه) روزنامه همشهری، سال دوم، شماره ۳۸۳، سه شنبه ۶ اردیبهشت.

### ج) پایان نامه‌ها

امیری، حسن (۱۳۸۸). «ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های ادبیات فارسی و تاریخ مقطع متوسطه ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر عیسی ابراهیم زاده، تهران: بنیاد ایرانشناسی دانشگاه شهید بهشتی. تقی زاده، اکبر (۱۳۸۸). «ایران در کتاب‌های درسی دوره پهلوی اول»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: بنیاد ایرانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

خسروانیا، حمیدرضا (۱۳۸۸). «ترسیم هویت ملی (ایرانی) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۵». پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر عیسی ابراهیم زاده، تهران: بنیاد ایران شناسی دانشگاه شهید بهشتی.